

سرمایه گذاری صنعتی در عربستان سعودی - تجزیه و تحلیلی از مناسبات حکومت - بخش خصوصی

Wahib Abdullfattah Soufi and

Richard T. Mayer, *Saudi Arabia-*

Industrial Investment, An Analysis of

Government- Business Relationships,

New York: Quorum Books, 1991, 145

pages.

چندی است که دول جهان، چه از جهان صنعتی و چه جهان پیشاصنعتی، در راستای نیل به توسعه اقتصادی، تعدیل اقتصادی، افزایش کارایی، از بین بردن کسر بودجه، جلب مشارکت عمومی، جلب سرمایه خارجی و جذب تکنولوژی جدید، کاهش زیانهای ناشی از حمایتهای دولتی، کاهش فعالیت اجرایی دولت و افزودن به نقش نظارتی آن، بهره وری از بازار رقابت آزاد و غیره به سوی سیاستهای خصوصی سازی گام نهاده اند.

در اجرای فرایند خصوصی سازی برنامه ریزی های زیر به صورت گامهای ضروری مورد پذیرش دولتها قرار گرفته است:

۱. طراحی برنامه های خصوصی سازی

به گونه ای تدریجی و دراز مدت؛

۲. فراهم کردن چارچوب و فضای مناسب اجتماعی؛

۳. وضع مقررات و ضوابط قانونی؛

۴. اصلاح ساختاری نظام اقتصادی؛

۵. ایجاد بازار سرمایه، پول و سهام؛

۶. وضع ضوابط و مقررات برای مرحله

پس از خصوصی سازی.

در حال حاضر، سیاستهای خصوصی سازی گستره جغرافیایی جهان را درنوردیده است. از مصر و تونس در آفریقا که با بهره گیری از نظرات مشورتی و کمکهای دریافتی بانک جهانی به این امر اشتغال ورزیده اند تا لهستان و چک و اسلواک در اروپای شرقی و از آنجا تا کشورهای آمریکای لاتین که پیروان این نمونه از سیاستهای اقتصادی هستند، همه آزمونها را گوناگونی را پشت سر گذاشته اند که بررسی یکایک آنها به منظور نیل به تصمیم یافته ها و استتاجی کلی ضروری می نماید.^۱

ناگفته نماند که چندی است اندیشوران اقتصاد و سیاست به نمونه ای پیروز در بین کشورهای اسلامی - مالزی - چشم دوخته اند تا سیاستهای اقتصادی این کشور را در زمینه توسعه بازرگانی، جلب سرمایه خارجی و خصوصی سازی به بررسی و گمانه زنی گیرند.^۲

کتاب سرمایه گذاری صنعتی در

عربستان سعودی - تجزیه و تحلیلی از مناسبات میان بخش خصوصی - حکومت نیز بر اساس همین باور دو نویسنده عرب و آمریکایی به رشته تحریر در آمده است. وهیب عبدالفتاح صوفی استادیار اداره امور دولتی در دانشکده اقتصاد و اداره امور دولتی و مدیر کل آژانس توسعه و سازمان در دانشگاه ملک عبدالعزیز جدّه است. ریچارد مایر نیز استادیار دانشکده اداره امور عمومی و دولتی دانشگاه میشیگان غربی در کالامازوست.

سرفصلهای کتاب عبارت است از: ۱. مناسبات بخش خصوصی - حکومت و توسعه اقتصادی؛ ۲. حکومت و بخش خصوصی در عربستان سعودی؛ ۳. تشویق بخش صنعت در عربستان؛ یک چارچوب ادراکی و تلاشهای کنونی؛ ۴. تصورات بخش بازرگانی خصوصی سعودی؛ ۵. همسنجی نظرات حکومت و بخش خصوصی؛ ۶. نظرات، ارتباطات، انتظارات: تأثیر آن در مناسبات حکومت - بخش خصوصی؛ ۷. آینده مناسبات حکومت - بخش خصوصی در عربستان سعودی.

در مقدمه کتاب آمده است که توسعه اقتصادی نهایت نیل کشورهای جهان اهم از تک محصولی و چند محصولی است. از سری، درك فعالیت بین بخش خصوصی و

حکومت در مدیریت رشد اقتصادی عاملی اساسی است. این نوشتار به نتایج مطالعه «در اثرات تشویق سرمایه گذاری صنعتی در بخش تولید عربستان سعودی» پرداخته، نقش حکومت را نه تنها در عربستان سعودی، بلکه در کشورهای پیشاصنعتی در پیوند با بخش خصوصی به میان می کشد.

پژوهش فوق که در ۱۹۸۶ انجام شد، مشتمل بر مجموعه مصاحبه هایی با صاحب منصبان دولتی، اعضای اتاق بازرگانی و مدیران بخش خصوصی است. نویسندگان به تحلیل نقش قوانین اسلامی و چگونگی اعتلای مناسبات بخش خصوصی - حکومت در جهت توسعه صنعتی پرداخته اند.

این اثر افزون بر پژوهشی کتابخانه ای، با بهره گیری از شیوه پژوهش پیمایشی، تحقیق را استقرایی کرده و کاربرد ابزار آماری بر کیفیت نوشتار بس افزوده است.

در فصل اول، نویسندگان با اشاره به نظامهای اقتصادی مبتنی بر رقابت و عدم رقابت، تک محصولی و چند محصولی، نقش دولت را در نیل به توسعه اقتصادی بازگومی کنند. فروپاشی نظام شوروی و نظامهای متمرکز اروپای شرقی از دیدگاه پژوهشگران نمایانگر رابطه نامناسب بخش

دولتی در ساختار اجتماعی - اقتصادی این کشورها برده است.

در ادامه، به کاهش بهای نفت در دهه ۸۰، لزوم برنامه اقتصادی گریز از نظام تک محصولی، نیاز به ایجاد ساختار مناسب در روابط بین حکومت - بخش خصوصی اشاره می کند.

در همین راستا، فرضیه اساسی کتاب براین باور استوار است که نیاز به عوامل حقوقی، مالی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی سازگار با وضعیت دوران جدید کشور عربستان سعودی، پُرمعانی حیاتی است.

فصل دوم کتاب تلاش دارد به اساسی ترین ویژگی های حقوقی، تاریخی، سیاسی و غیره عربستان سعودی اشاره کند تا برای خواننده ای بیگانه با ساختار نظام سعودی، زمینه ای ادراکی فراهم سازد.

در آغاز، به چگونگی تشکیل عربستان، نقش ملک سعود، برنامه های اقتصادی اول (۱۹۷۵ - ۱۹۷۰)، دوم (۱۹۸۰ - ۱۹۷۵)، سوم (۱۹۸۵ - ۱۹۸۰) و انگیزه نیل به خصوصی سازی پرداخته می شود. سپس نقش اجتماع، قیاس، عرف و نگاهبانی از شریعت در برنامه های اقتصادی و اجتماعی با ظرافت برای خواننده بررسی گردیده، به مقایسه قوانین اسلام و غرب در برخورد با بخش خصوصی پرداخته می شود. نقش تسلطی دولت تا دهه ۸۰، سیاستهای سوبسیدی دولت و تعیین بهای کالاها همه یادآور تجربیات و آزمونهای مشترک گذشته عربستان سعودی و سایر دول نفت خیز است. از آن پس، با برنامه ریزی های جدید اقتصادی، بویژه برنامه پنجم (۱۹۹۰ - ۱۹۸۵) و گام نهادن در ایجاد صنایع بزرگ خصوصی، وضع قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی و فراهم کردن زیر بناهای ساختاری از سوی دولت، نظام عربستان سعودی دورانی جدید را آغاز می کند.

فصل سوم، یکی از اساسی ترین فصلهای کتاب است. در این فصل، خواننده با فعالیتهای پنجگانه حکومت عربستان سعودی در برابر بخش خصوصی آشنا می شود. حکومت در نقش برنامه ریز، از ۱۹۷۰، برنامه های مختلف اقتصادی کشور را طراحی کرده است. بتدریج از دهه ۸۰ این برنامه ها گرایش به کاهش نقش دولت در اقتصاد کشور داشته است. در این راستا، حکومت به عنوان عامل گردآورنده درآمد نیز از طریق مالیات، زکات، گمرک و نفت نقشی بسیار ارزشمند داشته است. در همین زمینه است که تصویب قوانین مناسب برای معافیت های مالیاتی، در مورد سرمایه گذاری های خارجی مهم جلوه می کند.

نقش حکومت به عنوان خریدار و فروشنده

است؛ زیرا حکومت از این راه می‌تواند تنظیم بازار کرده، سبب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران شود. همچنین تسهیلات لازم پیش از سرمایه‌گذاری را فراهم ساخته، سبب توسعه مهارت‌های کارگری شود. بعلاوه، تنظیم‌کننده تلاش‌های محیطی باشد و در نهایت زیربنا و خدمات را برای بخش خصوصی فراهم سازد.

حکومت به عنوان پیشقدم یکی دیگر از تلاش‌های ارتباطی همه حکومت‌ها و نیز عربستان سعودی با بخش خصوصی است؛ با توجه به اینکه در عربستان سعودی همانند دیگر کشورهای پیشا صنعتی بخش خصوصی ضعیف می‌باشد، لذا پیشگام بودن دولت ضروری است. به عنوان نمونه، در عربستان سعودی تأسیس صنعت فرآوری پالایش، به منظور سرمایه‌گذاری‌های پایین دستی در بخش خصوصی اجتناب ناپذیر بوده است.

نقش حکومت به عنوان مؤسسه مالی، فرآزی دیگر از نکات بازگو شده از سوی صاحبان اثر است. در این مورد، نقش بانک‌های توسعه صنعتی که وام‌های کم بهره برای اجرای طرح‌های ارزشمند در اختیار قرار می‌دهند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و کارنامه عملکرد صندوق توسعه صنعتی عربستان سعودی (SIDF) با همان ویژگی‌های یاد شده بررسی می‌گردد.

فصل چهارم، تصویری روشن از برداشتها و باورهای مدیران بخش خصوصی نسبت به سیاست‌های دولت در برابر آنها ارائه می‌کند. براساس نظر خواهی‌ها و مصاحبه‌های پژوهشگران سه نوع شیوه تفکر در بین بخش خصوصی وجود داشته است. گروهی باور دارند که سیاست‌های دولت به طور کلی مفید نبوده است. گروهی، در مقابل، سیاست‌های دولت عربستان سعودی را کاملاً مؤثر و مفید دانسته‌اند. گروهی نیز برخی از آنها را موفق شمرده‌اند.

پرسشنامه‌هایی که از سوی بخش خصوصی ناموفق یاد شده‌اند، عبارت‌اند از: سیاست‌های نیروی انسانی، قوانین و مقررات، ضعف در بخش اطلاع‌رسانی، نقش بانک‌های تجاری برای اعطای وام، دسترسی نامناسب محلی به مواد اولیه، نقش نامناسب تلویزیون تجاری در تبلیغ کالا، عدم حمایت مناسب از صنایع داخلی و غیره.

البته، در مورد سیاست‌های اعطای وام اختلاف نظر وجود داشته است. همین تفاوت دیدگاه در بین مدیران بخش خصوصی در پیوند با پیشقدم بودن دولت و سیاست قیمت‌گذاری نمایان است.

آنچه از نتایج مصاحبه‌ها استخراج شده بازگوکننده این واقعیت است که بیشتر پاسخ‌دهندگان نقش SIDF، وضعیت نظام حمل و نقل و ارتباطات و نقش اتاق بازرگانی را

کاملاً مثبت ارزیابی کرده اند.

پیشقدم در صنعت و ذخیره اشاره کرده، این بار با بهره گیری از نظرات هر دو گروه به تحلیلی مستقل و علمی می پردازد. این فصل در هر فراز، ضمن نقد و ارزیابی، چاره جویی کاربردی نیز به همراه دارد.

فصل پنجم، بر پویایی پژوهش افزوده، باورهای هر دو گروه را در برابر یکدیگر قرار می دهد. در این فصل، مصاحبه هایی با دولتمردان مرتبط با بخش خصوصی انجام شده و فصل مشترک و نظرات مقابل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پرسشهایی که از اعضای اتاق بازرگانی، مدیران دولتی و بخش خصوصی به صورت نمودار مستطیلی ارائه شده در خصوص نکات زیر است:

فصل هفتم، در واقع جمع بندی و ارائه پیشنهادها، نویسندگان در این فصل ضمن مرور مجدد فصلهای ششگانه کتاب به جمع بندی می پردازند.

رقابت خارجی و محصورات داخلی؛ نقش بانکهای تجارت؛ کسب لیسانس یا پروانه صنعتی؛ بهبود اطلاعات حکومتی؛ بهبود نقش دولت در نمایشگاهها؛ نقش اتاق تجارت و صنعت؛ نقش سازمان استاندارد صنعتی؛ ورود کارگر حرفه ای خارجی؛ دسترسی محلی به مواد خام؛ نقش تلویزیون در تبلیغ کالا و خدمات.

در فراز تحت این فصل به دوران توسعه سریع اقتصادی (۱۹۸۲ - ۱۹۷۳) اشاره شده، افزایش درآمد دولت از ۲۲/۸ میلیارد ریال سعودی تا ۳۱۳/۴ میلیارد در همنسجی با هزینه های دولت بررسی می گردد. سپس، در فرازی دیگر به تشریح دوران تعدیل اقتصادی از ۱۹۸۳ پرداخته، به کاهش درآمدها از ۲۲۵ میلیارد ریال تا ۱۱۸ میلیارد ریال سعودی (۱۹۹۱) اشاره می شود.

در پایان این فصل، باورهای مشترک تحلیل شده، نقش صندوق توسعه صنعتی عربستان سعودی، شرکت صنایع اسامی عربستان سعودی (SABIC) و نقش سازمان توسعه مهارتهای انسانی مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

در همین فصل، با ارائه دو جدول پیامدهای افزایش و کاهش درآمد دولت در بخشها و سیاستهای اقتصادی به تصویر کشیده می شود.

فصل ششم، با بررسی و تحلیل کامیابی ها و ناکامی های دولت عربستان سعودی، بار دیگر به نقش پنجگانه دولت نظیر گردآورنده درآمد، تنظیم کننده بازار،

فراز دیگری از این فصل به بررسی برنامه پنجم دولت ۱۹۹۵ - ۱۹۹۰ پرداخته و به کنفرانسهای متعدد بخش خصوصی در ۱۹۸۳ و ۱۹۸۹ نظر داشته است. نویسندگان بر این باورند که محورهای

اساسی این کنفرانسها یعنی شیوه های افزایش مؤثر مشارکت نیروی کار داخلی، افزایش سرمایه گذاری ها و انتقال سرمایه گذاری های کوچک به بزرگ، بازتابی مؤثر بر برنامه پنجم دولت عربستان سعودی داشته است.

در پایان، پژوهشگران پیشنهادها را زیر را ارائه می کنند:

۱. حکومت راههای ارتباطی با بخش خصوصی را از طریق اتاق بازرگانی یا مؤسسه اداره امور دولتی افزایش دهد؛

۲. ارتباطات بین حکومت و بخش خصوصی بر بنیان احترام متقابل و پرهیز از تنش شکل گیرد و در راستای سیاستهای توسعه باشد؛

۳. نقش دانشگاهها تنها در محدوده بحثهای آکادمیک نباشد، بلکه رابطه ای کاربردی با این گونه پُرمسئله داشته باشد؛

۴. آموزش دیپلماسی حکومت، پروژه برای دولتمردان مطرح بالا که در برخورد با بخش خصوصی هستند، اجتناب ناپذیر است.

در مجموع، این اثر پژوهشی علمی - کاربردی تلقی می شود که با توجه به هدفهای اساسی پژوهشگران بخوبی سازمان دهی شده است.

ناصر فرشاد گهر

استادیار دانشکده امور اقتصادی

پاداشتها:

۱. به منظور مطالعه گسترده تر، نگاه کنید به: «خلاصه گزارش، سمینار بررسی تحلیلی خصوصی سازی»، تهران: دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۷۲، ص ۹-۳.
۲. نگاه کنید به: محمد باقر صدری، «قراسوی صفها - ۲۸۱»، اطلاعات، شماره ۲۰۵۳۸، ۹ مرداد ۱۳۷۲، ص ۳.

جنگجوی صحرا

Bin Sultan, Khaled, *Desert Warrior*,
New York: Harper Collins, 1995.

شاهزاده خالد بن سلطان روز چهارشنبه سوم خرداد در مقر سازمان ملل متحد، کتاب جدید خود را معرفی کرد. این نخستین کتابی است که یکی از اعضای خانواده سلطنتی عربستان سعودی درباره جنگ ایران و عراق و جنگ دوم خلیج فارس و مسائل منطقه نوشته است. در کل، درباره جنگ خلیج فارس کتابهای زیادی به رشته تحریر درآمده، اما کتابی که به واقع دیدگاه عربستان سعودی و خانواده سلطنتی را منعکس کند، نادر است. جنگجوی صحرا خاطرات فرمانده نیروهای عربستان سعودی در جنگ دوم خلیج فارس، ژنرال خالد بن سلطان، برادرزاده ملک فهد، است. جنگجوی صحرا به دلیل انعکاس دیدگاه یکی از مهره های اصلی جنگ